

سیر تطور «حزب الله» در سیاق آیه ولایت؛ تصویری
از آینده پیش روی انقلاب اسلامی
فرهاد احمدی آشتیانی^۱، ماهد آب روشن^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

چکیده:

علیرغم کوشش اندیشمندان در دست یافتن به تبیین قرآنی از ماهیت انقلاب اسلامی و آینده پیش روی آن، هنوز خلاء تبیینی جامع و قرآن‌بنیان از این پدیده عظیم محسوس است. پژوهش حاضر در این راستا بازکاوی مقوله «حزب الله» در سیاق آیه ولایت را دست‌مایه قرار داده است و کوشیده تا خوانشی پیوسته از این سیاق، که در تفسیر شیعی با چالش‌هایی روبرو است، ارائه دهد. تدبیر زمانی در این آیات سیر تطوری را روشن می‌سازد که در خلال آن خداوند یک قوم را در مسیری رشد می‌دهد، فرهنگ و تمدن شیعی را در آن تقویت می‌کند و به دنبال یک تحوّل ارزشی، حکومتی در آن تشکیل می‌دهد. خداوند در مقطعی از این سیر تکامل، این قوم را از عطا‌های خاص با تأثیرات گسترده بهره‌مند می‌کند و بعد از آن با گسترش فراقومیتی این عطاها «حزب الله» را بر مدار توکلاً نسبت به اولیاء معرفی شده در آیه ولایت، تشکیل می‌دهد. بر این اساس جامعه آخرالزمانی شیعیان جامعه‌ای ساختاریافته و سازماندهی شده است که با بهره‌مندی از عطا‌های خاص خداوندی، با اقتدار به حرکت خود ادامه می‌دهد، پیوسته پیروز است و از تمام حوادث و فتنه‌های آخرالزمان می‌رهد. در جایگاه یک گمانه، با انطباق مشخصات ذکر شده در این سیاق بر تاریخ تحولات ایران، می‌توان مطابق با گفتمان روایی، ایرانیان را مصداق این قوم دانست. بر این اساس می‌توان تبیین قرآنی از ماهیت و آینده پیش روی انقلاب اسلامی ارائه کرد که مطابق آن انقلاب اسلامی در آستانه بهره‌مندی از عطا‌های خاص خداوندی و گذار به جامعه جهانی، قدرتمند و ساختاریافته شیعی تحت عنوان حزب الله است.

واژگان اصلی: آخرالزمان، آینده‌پژوهی اسلامی، پیوستگی آیات، روح القدس، صفویه

۱. پژوهشگر دفتر آینده پژوهی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسؤول) farhadahmadi@ut.ac.ir
۲. پژوهشگر پسادکتری نظریه اطلاعات، دانشگاه کمبریج، کمبریج، انگلستان mabroshan@turing.ac.uk

بیان مساله

یکی از پیشرفت‌های مهم به دست یافتن به تبیین قرآنی یا روایی از انقلاب اسلامی ایران و آینده پیش روی آن، از همان آغاز این انقلاب در کانون توجه اندیشه‌پردازان قرار داشته است. (مطهری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۴) اما تلاش‌های علمی صورت گرفته تا امروز، نتوانسته است به طور بایسته و هم‌تراز با جایگاه انقلاب اسلامی، مسیر بالندگی خود را طی کند. (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۶) سرعت گرفتن و وسعت یافتن سیر وقایع در سال‌های اخیر نیز انگیزه برای استخراج چارچوب نظری قرآنی برای انقلاب اسلامی و دست یافتن به تبیین قرآنی از ماهیت و آینده آن را افزایش داده است. در این میان با توجه به جایگاه بی‌بدیل قرآن در منابع اندیشه اسلامی، قرار دادن شالوده پژوهش‌های این حوزه بر آیات قرآن، می‌تواند برهانی قاطع و پشتوانه‌ای مستحکم برای آن فراهم آورد. پژوهش حاضر در این راستا به بازکاوی مقوله «حزب الله» در سیاق آیه ولایت پرداخته است.

خداوند در آیه پنجاه و شش سوره مائده از «حزب الله» نام می‌برد که اهل تولی خداوند و رسولش و گروهی از اهل ایمان هستند و همواره غالب خواهند بود؛ «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلِبُونَ». [مائده: ۵۶] در آیات پیشین خداوند از مراحل تطوّر قومی سخن به میان آورده است [مائده: ۵۴] و در آیه ولایت [مائده: ۵۵] اولیاء حقیقی را منحصر در همان مصادیقی دانسته است که حزب الله تحت تولی ایشان قرار دارند. متکلمان شیعه بر اساس اخبار موجود در تراث روایی شیعیان (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۷۱؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۲۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹) و حتی منابع اهل تسنن (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۶/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲) مؤمنان ولی توصیف شده در آیه ولایت را اهل بیت ع می‌دانند.

علیرغم جایگاه ویژه‌ای که این آیات در گفتمان کلامی تشیع در مقوله ولایت دارند، خوانش پیوسته آن‌ها به گونه‌ای که ارتباط معنایی بین آن‌ها آشکار شود، در تفسیر شیعی با چالش‌هایی مواجه است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۸) از سوی دیگر توجه درخوری به ماهیت‌شناسی و مصداق‌یابی حزب الله در تفاسیر صورت نگرفته است و همچنان پرسش‌های مهمی در ارتباط با این مقوله بدون پاسخ مانده‌اند؛ حزب الله چگونه شکل می‌گیرد و چطور به جایگاهی می‌رسد که همواره پیروز است؟ مصداق حزب الله دقیقاً چه کسانی هستند؟ آیا حزب الله وصفی است که در طول تاریخ مصادیق متعددی دارد یا آنکه مراد خداوند مصداق خاصی است که در برهه

مشخصی از زمان شکل می‌گیرد؟

پیش از این در حوزه تبیین ماهیت انقلاب اسلامی بر اساس منابع اسلامی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. پژوهش‌هایی مانند «رویکردی فقهی به نظریه انقلاب امام خمینی ره» (حیدری بهنوئی، ۱۳۸۱)، «نظریه امانت امام خمینی ره و چشم‌انداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت» (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹)، «بازتعریف هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مناسب انقلاب اسلامی، در گذار از مدرنیته اسلامی به سوی تمدن زمینه‌ساز و بایسته‌های سیاستی برآمده از آن» (خزایی و مطهری‌نژاد، ۱۳۹۴) و «تبیین ماهیت انقلاب اسلامی ایران از منظر سوره مجادله: کاوشی در تقابل دو جریان حزب الله و حزب الشیطان» (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۶). اما این پژوهش‌ها عمدتاً بر پایه آراء صاحبان اندیشه در حوزه مطالعات اسلامی به جای تکیه بر منابع اصیل اسلامی و به طور خاص قرآن شکل گرفته‌اند و کم‌تر سوئی آینده‌نگرانه دارند.

پژوهش حاضر کوشیده با ارائه خوانشی پیوسته از این آیات، موضوعات مطرح در این سیاق یعنی سیر تطور قوم توصیف شده در آیه پنجاه و چهار، ولایت اولیاء حقیقی و مقوله حزب الله را در ارتباط با یکدیگر معنا کند و بر این اساس پاسخی برای پرسش‌های فوق فراهم آورد و بعد از آن به مصداق‌شناسی قرآنی و روایی قوم توصیف شده در آیه پنجاه و چهار سوره مائده روی آورده است. در گام بعد بر اساس گمانه منطبق دانستن سیر تطور حزب الله بر ایرانیان، سعی شده تا تصویری از آینده پیش روی انقلاب اسلامی و جامعه شیعیان ترسیم گردد. به دست آوردن تصویر دقیق از حزب الله، نقش کلیدی در آینده‌نگری قرآنی امت اسلامی دارد و همچنین امکان‌سنجی تطبیق قوم توصیف شده در این آیات بر ایرانیان به عنوان یک گمانه، می‌تواند در دست یافتن به تبیین قرآنی از ماهیت و آینده پیش روی انقلاب اسلامی سودمند باشد. موضوعی که خلاء آن در گفتمان پیرامون انقلاب اسلامی محسوس است.

۲. سیر تطور حزب الله در سیاق آیه ولایت

خداوند در آیه پنجاه و چهار سوره مائده مسلمانان صدر اسلام را مخاطب قرار می‌دهد و پرده از ارتداد ایشان از دین بر می‌دارد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» و در فرازهای بعدی آیه قوم جایگزین شده را توصیف می‌کند؛ «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

برای شناخت بهتر این آیه شایسته است تا ارتباط معنایی بین آیات سیاق آن نیز در نظر گرفته شود. خداوند در آیات پیشین مسلمانان را از اینکه تحت تولای یهود و نصارا قرار بگیرند، نهی می‌کند [مائده ۵۱] و تبعات منفی این رفتار را بیان می‌کند [مائده ۵۴-۵۱] و بعد از آن اولیاء حقیقی را معرفی می‌کند [مائده ۵۵] و تبعه تولای ایشان را قرار گرفتن در زمره «حزب الله» بیان می‌کند و در نهایت مجدداً مسلمانان را از قرار گرفتن تحت ولایت اهل کتاب و کفار نهی می‌کند. [مائده ۶۳-۵۷] بنابراین آیه پنجاه و چهار سوره مائده در درون آیات مربوط به ولایت قرار گرفته است. این موضوع حاکی از آن است که مفاد این آیه با مفهوم ولایت از یک سو و با مقوله «حزب الله» از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگی دارد.

۱-۲. ارتداد قوم رسول الله ص در مقوله ولایت

جمله نخست این آیه به عنوان یکی از پیشگویی‌های غیبی قرآن، حاکی از آینده قریب‌الوقوع قوم رسول الله ص در صدر اسلام است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۲۶/۵؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۴۱۵/۴) خداوند در این آیه خبر از ارتداد مؤمنان صدر اسلام و جایگزین کردن یک «قوم» به جای ایشان می‌دهد. اینکه مجموعه جایگزین شده به بزرگی یک قوم است، حاکی از آن است که ارتداد مطرح در آیه منحصر به گروه یا طبقه خاصی از مسلمانان نبوده است و مجموعه‌ای که مرتد شده و در آینده نزدیک نسبت به زمان نزول این آیه کنار زده خواهد شد نیز به بزرگی یک قوم است. (مؤمنی و ضیاءفر، ۱۳۹۷: ۳۰۴)

از آنجا که این آیه در سیاق مربوط به بحث ولایت قرار گرفته است، خداوند در آن خبر از ارتداد قوم رسول الله ص از مقوله ولایت می‌دهد. بنابراین این سیاق تأییدی قرآنی بر روایات حاکی از وقوع ارتدادی به وسعت یک قوم در مقوله ولایت در صدر اسلام (کشی، ۱۴۰۹: ۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶) است. ارتدادی که علاج‌پذیر نیست و خداوند قوم مرتد را کنار می‌گذارد و قوم دیگری را جایگزین آن می‌کند.

۲-۲. اراده خداوند بر جایگزینی قوم حبیبی

در صدر اسلام و زمان نزول این آیات، اسلام از مرزهای جزیره‌العرب فراتر نرفته بود و به غیر از قوم عرب قوم دیگری در امت اسلام وارد نشده بود. بنابراین توصیفات انجام گرفته از قوم جایگزین در آیه پنجاه و چهار سوره مائده از قبیل ایمان و جهاد فی سبیل الله، ناظر به آینده صدر اسلام و آینده قوم جایگزین است. لذا مناسب است تا به فقرات توصیفی آیه پنجاه و چهار در محور زمان و به مثابه مسیر پیش روی این قوم در آینده نگریسته شود.

نکته جالب در توصیف قوم مذکور آن است که خداوند معرفی ایشان را با ویژگی‌هایی مانند جغرافیای زیست جمعیت، جغرافیای زیست و شاخص‌های فرهنگی و تمدنی آغاز نمی‌کند. بلکه

نخستین توصیف این قوم از زبان خداوند محبت او نسبت به این قوم است؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ...» محبوب بودن نزد خداوند بارزترین ویژگی این قوم است. ویژگی رشک‌برانگیزی که سبب می‌شود هر انسانی آرزو کند تا در زمره این «قوم حبی» باشد.

دومین ویژگی این قوم، آن است که خداوند را دوست دارند. آیه پنجاه و چهار سوره مائده حاکی از محبت دو سویه میان خداوند و این قوم است؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ». این ویژگی در ابتدا معلوم می‌سازد که این قوم خداشناس و موحد هستند. فراتر از این، خداوند در مسیر رشد این قوم رفتارهایی انجام می‌دهد و نعماتی را به ایشان عطا می‌کند که این قوم خداوند را به نحو بارزی دوست خواهند داشت.

۲-۳. نهادینه شدن تشیع در قوم حبی

رفتار خاضعانه در قبال مؤمنان مرحله دیگری از سیر رشد قوم حبی است؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ... اَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ». این ویژگی روشن می‌سازد که آحاد این قوم خود مسلمان و بلکه از مؤمنان خواهند شد که در نتیجه آن رفتار خاضعانه در قبال سایر مؤمنان در پیش می‌گیرند. لذا در برهه‌ای از زمان این قوم از اقوام مسلمان خواهد شد.

دقت در این ویژگی شناخت بیشتری از قوم حبی را حاصل می‌کند؛ ایمان یک مفهوم متعدی است و برای کامل شدن معنا نیاز به یک متعلق دارد. در قرآن ایمان به مقولات مختلفی از جمله خداوند، رسولان، کتاب‌های آسمانی، ملائک [بقره ۲۸۵] و حتی باطل [نحل ۷۲] تعلق گرفته است. حال سؤال این است که در آیه پنجاه و چهار مائده ایمان نسبت به چه چیزی مطرح است؟ با توجه به اینکه در این آیات فضای اصلی صحبت خداوند ولایت است، لذا مراد خداوند از ایمان، ایمان به ولایت است. بر این اساس قوم حبی مؤمنان به ولایت اهل بیت ع هستند. به بیان دیگر قوم حبی در مسیر رشد خود یک قوم شیعی خواهد شد.

۲-۴. تقویت اندیشه، فرهنگ و تمدن شیعی در قوم حبی

ویژگی دیگر این قوم رفتار در برابر کافران است؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ... اَعَزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ». این ویژگی حاکی از آن است که بعد از آنکه این قوم تشیع را پذیرفت، در برابر کافران ضعیف و زبون نیست. بلکه مقتدرانه و عزت‌مندانه رفتار نشان می‌دهد. لازمه این رفتارها بهره‌مند بودن قوم از زیرساخت‌های قوی اجتماعی، فرهنگی و تمدنی است. قوم حبی در عرصه اندیشه و فرهنگ اثرپذیر نیست. بلکه می‌تواند از حوزه اعتقادی خود دفاع کند. قوم حبی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی تحت

سلطه قرار نمی‌گیرد. بلکه می‌تواند استقلال و هویت خود را در این عرصه‌ها حفظ کند.

۲-۵. تشکیل حکومت و ورود به صحنه جهاد

ورود قوم حبیبی به صحنه جهاد در راه خدا مرحله دیگری از مراحل تطوّر این قوم است؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ... يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». این ویژگی نشان می‌دهد که قوم حبیبی قومی است که در آن یک حکومت به قدرت می‌رسد. چرا که ورود یک قوم در جنگ، نیازمند فراهم بودن زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و مانند آن است که جز از طریق ایجاد یک حکومت واحد و مقتدر قابل دسترسی نیست. یک قوم با خرده حکومت‌های غیر یکپارچه که به صورت ملوک الطوائفی اداره می‌شود یا حکومتی که معارضان داخلی دارد، به دلیل تباین و تضاد منافع و عدم توان بسیج امکانات نمی‌تواند در برابر دشمن خارجی وارد جنگ شود.

همچنین حکومت در قوم حبیبی یک حکومت با ظاهر و شعارهای شیعی نیست. بلکه در این قوم یک حکومت اصیل شیعی که مورد تأیید خداوند است، شکل می‌گیرد. چرا که خداوند جنگی را که حکومت شکل گرفته در قوم حبیبی وارد آن می‌شود، تأیید کرده و آن را «جهاد فی سبیل الله» نامیده است. آحاد این قوم به ولایت اهل بیت ع ایمانی مورد تأیید خداوند دارند و بر پایه این ایمان حقیقی خود حکومتی تشکیل می‌دهند. حکومتی یکپارچه که در آن جریان‌های معارض و استقلال‌طلب به گوشه‌ای رانده می‌شوند و بعد از آن قوم حبیبی وارد صحنه جهاد فی سبیل الله می‌شود.

دقت بیشتر در این فراز از آیه پنجاه و چهار مانده، ماهیت دشمنی و نیت راهبردی دشمن این قوم را روشن می‌سازد. خداوند در میان تمام آیات قرآن، بحث راهبری این قوم را در خلال بحث ولایت اهل بیت ع مطرح کرده است و آنها را نه با مؤلفه‌های قومیتی، فرهنگی و اجتماعی بلکه با ایمان به ولایت اهل بیت ع معرفی کرده است و بعد از این مفاهیم خداوند بحث جنگ این قوم را طرح می‌کند. توالی این مفاهیم حاکی از آن است که جنگ قوم حبیبی، جنگ بر سر منابع انرژی، ذخایر آبی و مانند آن نیست. دشمن با ایمان و ارزش‌های شیعی قوم حبیبی مشکل دارد. جنگ این قوم جنگ بر سر اعتقادات است. دشمن برای نابودی اعتقادات شیعی شکل گرفته در قوم حبیبی، به جنگ آن می‌آید.

اما با توجه به فقرات پیشین آیه، قوم حبیبی مدت‌ها پیش از ورود به صحنه جنگ شیعه شده و حتی اندیشه، فرهنگ و تمدن شیعی در آن نهادینه شده تا جایی که بر اساس آن با مخالفان خود عزت‌مندانه رفتار می‌کند. حال چه شده است که دشمن حساسیت نشان می‌دهد و علیه این قوم جنگ اعتقادی به راه می‌اندازد؟ این موضوع نشان می‌دهد در برهه‌ای از زمان، در فضای ارزش‌ها و

اعتقادات جامعه قوم حبیبی تحولاتی صورت می‌گیرد. ارزش‌های مکتبی در این قوم احیا می‌شود و می‌بالد. بر اساس این ارزش‌ها حکومتی تشکیل می‌گردد. دشمنی که این تحول را رصد می‌کند، آن را بر نمی‌تابد و طبیعتاً پیش از قدرت یافتن این حکومت در قوم حبیبی بر آن می‌تازد.

۲-۶. هجمه گسترده به قوم حبیبی و افزایش اقتدار آن

سیر تطور این قوم در صحنه جنگ متوقف نمی‌شود. این قوم پیروزمندانه از صحنه جنگ خارج می‌شود. این موضوع با توجه به پله بعدی این قوم در مراحل رشد خود آشکار می‌شود؛ «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ». قرار گرفتن واژه «لائم» در سیاق نکره به معنای آن است که این قوم بعد از جهاد خود، از ملامت «هیچ» ملامت‌کننده‌ای خوف ندارد. بنابراین بر اقتدار و قدرت این قوم بعد از صحنه جهاد افزوده می‌شود. قوم حبیبی خود را و امدار و سرسپرده هیچ قدرتی نمی‌دانند. بر ارزش‌های خود استوار ایستاده و در مسیر خود حرکت می‌کند. بی آنکه خوفی از ملامت‌ها، سرزنش‌ها و تهدیدها به خود راه دهد. این فراز از آیه همچنین روشن می‌سازد که قوم حبیبی بعد از صحنه جهاد خود، با فشارها و تهدیدهای فراوانی روبرو خواهد بود.

۲-۷. بهره‌مند شدن قوم حبیبی از عطا‌های خاص

خداوند تا این فراز از آیه پنجاه و چهار سوره مائده، رشد و بالندگی قوم حبیبی را در یک مسیر صعودی ترسیم کرده است. لذا فقرات بعدی این آیه نیز باید در ادامه مسیر رشد و بالندگی این قوم معنا یابند. فراز بعدی این آیه حاکی از آن است که خداوند قوم حبیبی را مشمول فضل خود می‌کند؛ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ». با توجه به مسیر صعودی آیه، این عبارت حاکی از مرحله دیگری از رشد قوم حبیبی است.

عبارت «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» در قرآن جز در آیه پنجاه و چهار سوره مائده، تنها در آیه بیست و یک سوره حدید و آیه چهار سوره جمعه و در مقولات بسیار قیمتی به کار رفته است. خداوند در سوره حدید بعد از اینکه مؤمنان را امر می‌کند تا به سوی مغفرت و بهشت سبقت بگیرند، این مصادیق را فضلی از جانب خود معرفی می‌کند. [حدید ۲۱] در آیات ابتدایی سوره جمعه نیز تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت از جانب رسول الله ص با این عبارت معرفی شده است. بنابراین قوم حبیبی در مرحله‌ای از مسیر رشد خود از نعمات خاص بهره‌مند خواهد شد.

۲-۸. گسترش بهره از عطا‌های خاص و تشکیل حزب الله

آیه پنجاه و چهار سوره مائده با عبارت؛ «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» پایان می‌یابد. خاتمه این آیه حاکی از آن است که

خداوند با تأثیر اسم واسع خود، نعمات عطا شده به قوم حبی را وسعت می‌دهد. فرایند جانشینی قوم ارتدادی با قوم حبی و راهبری قوم حبی در مراحل توضیح یافته در آیه به موقعیتی فرا قومیتی و بلکه جهانی تحت عنوان «حزب الله» می‌رسد. تأثیر اسم واسع خداوندی در آغاز آیه پنجاه و شش سوره مائده خود را نشان می‌دهد. در این آیه دیگر از ویژگی‌های قومیتی منحصر در یک قوم خاص سخن به میان نیامده است. بلکه خداوند محدوده افراد مورد نظر را به هر کسی که تحت توکای اولیاء حقیقی قرار گیرد گسترش داده و آن‌ها را در زمره حزب الله وارد می‌کند؛ «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلِبُونَ». حزب الله جامعه‌ای جهانی و ساختار یافته از شیعیان است که خداوند سیر ایجاد آن را از رشد دادن قوم حبی شروع می‌کند و با محوریت این قوم آن را تشکیل می‌دهد.

خداوند نعمات قیمتی و ویژه قوم حبی را که در این آیات از آن به «فضل الله» تعبیر شده است، در میان حزب الله گسترش می‌دهد و ایشان از تبعات این عطاها بهره می‌برند. رمز اینکه حزب الله در هر صحنه‌ای که وارد می‌شود غالب است، بهره‌مندی از همین عطاها خاص است. در دو ردیف ابتدایی جدول شماره یک مراحل تطوّر قوم حبی و تشکیل حزب الله نشان داده شده است.

در قرآن علاوه بر آیات سوره مائده، توصیف حزب الله تنها در آیه بیست و دو سوره مجادله آمده است. در بیانی مشابه، خداوند در این آیه نیز بحث تکامل حزب الله را از یک «قوم» شروع می‌کند و به بهره‌مندی ایشان از نعمتی خاص یعنی تأیید با «روحي از جانب خداوند» اشاره می‌کند؛ «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ». در نگاه نخست شاید تأیید با روح حاکی از نعمت خاصی نباشد. اما آن‌گاه که این مقوله در قرآن پی گرفته می‌شود، نتیجه متفاوت خواهد بود. این نعمت از جمله نعماتی نیست که بارها در قرآن تکرار شده باشد و خداوند آن را به افراد و گروه‌های متعددی عطا کرده باشد. در تمام قرآن به جز حزب الله تنها عیسی ع از نعمت تأیید با روح بهره برده است.

تأیید عیسی ع با روح در آیه صد و ده سوره مائده بیان شده است؛ «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ». در این آیه خداوند رفتارهای عجیبی را به عیسی ع نسبت می‌دهد؛ تکلم کردن در مهده، خلق پرنده زنده از گل، شفا دادن کور مادرزاد و پیس و زنده کردن و خارج کردن مردگان از گور. این رفتارهای عجیب که در قرآن منحصر به عیسی ع است، می‌بایست تبعه بهره‌مندی ایشان از نعمتی منحصر به ایشان باشد. این نعمت خاص همان تأیید ایشان با روح القدس است که در ابتدای آیه مطرح شده است. بنابراین تأیید با روح نعمت بسیار خاصی است که تبعات عجیب به همراه دارد. خداوند در برهه‌ای از زمان قوم حبی و بعد از آن

حزب الله را از این نعمت بهره‌مند می‌کند. حزب الله با بهره بردن از «روح» رفتارهای عجیبی نشان خواهد داد. اگر چه خداوند حزب الله را در مسیری که خود تعیین کرده پیوسته رو به بالندگی حرکت می‌دهد، اما به نظر می‌رسد بهره‌مندی آن از تأیید روح، نقطه عطفی در مسیر آن باشد.

۳. ولایت الهی قوام‌بخش حزب الله

عنوان «حزب الله» در آیه پنجاه و شش سوره مائده و درست بعد از آیه ولایت و درون سیاق این آیه قرار گرفته است؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» [مائده ۵۵] در آیه پنجاه و پنج سوره مائده خداوند به صراحت اولیاء مؤمنان را معرفی می‌کند و با لفظ «انما» ولایت را منحصر به الله، رسول او و عده‌ای خاص از مومنان می‌کند. آیات پیرامون این آیه نیز به موضوع نهی از تولای اولیاء باطل و قرار گرفتن تحت ولایت اولیاء حقیقی اختصاص پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر مطابق با آیه پنجاه و شش سوره مائده حزب الله شدن انسان‌ها به دنبال تولای از اولیاء معرفی شده در آیه ولایت محقق می‌شود. این موضوعات روشن می‌سازد که «حزب الله» مقوله‌ای است که به شدت با مقوله ولایت در ارتباط است.

اما مراد خداوند از ولی در آیه پنجاه و پنج سوره مائده چیست و چه ارتباطی میان سیر تطور حزب الله و ولایت این اولیاء وجود دارد؟ کامل بودن کلام خداوند که خود از ضروریات بلاغت کلام او است، اقتضا می‌کند تا خداوند در همین آیات، مراد خود از «ولی» را روشن ساخته باشد. اما نگاه اجمالی به آیات بعدی، نشان می‌دهد که توضیحی از معنای ولی در این آیات به چشم نمی‌خورد؛ در آیه ۵۶ خداوند سرانجام کسانی را که نسبت به اولیاء معرفی شده در آیه ولایت تولّا داشته باشند، قرار گرفتن در زمره «حزب الله» معرفی می‌کند. آیات ۵۷ تا ۶۶ نیز به نهی مسلمانان از قرار گرفتن تحت تولای کفار و بیان برخی از رفتارهای سوء اهل کتاب اختصاص یافته است. آیات قبل از آیه ولایت نیز به موضوعی نزدیک به آیات پس از آن اختصاص یافته‌اند؛ خداوند متعال در آیات ۵۱ تا ۵۳ مسلمانان را از اینکه تحت تولای اهل کتاب بروند نهی می‌کند و سرانجام کسانی را که چنین می‌کنند توضیح داده است. بنابراین ولایت مطرح در آیه پنجاه و پنج تنها در آیه پنجاه و چهار می‌تواند توضیح یافته باشد.

در آیه پنجاه و چهار سخن از کنار گذاردن قوم ارتدادی و راهبری قوم حبّی در مسیر تعالی خود است. بعد از آن در آیه پنجاه و پنج خداوند خود را ولی معرفی می‌کند. این دو آیه دو فراز متوالی از کلام خداوند است که به عنوان کلام زبردست‌ترین سخنران عالم، با یکدیگر ارتباط معنایی دارند. بنابراین موجه است که مراد خداوند از ولی خواندن خود در آیه پنجاه و پنج را توانایی انجام افعال

مطرح شده در آیه پنجاه و چهار بدانیم؛ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ ... إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ».

بر این اساس در سیاق آیه پنجاه و پنج مائده، ولایت در حیطه حاکمیت بر اقوام معنا می‌یابد. ولی بودن خدا در این آیه به این معنا است که او حاکم بر اقوام است. او می‌تواند قومی را به واسطه ارتداد از دین، کنار بزند و به جای آن قوم، قوم دیگری را جایگزین کند. آن قوم را در خلال زمان‌ها از مسیری که خود تعیین کرده است پیش ببرد و رشد و تعالی دهد. تطوّر قوم حبّی که در نهایت در یک سطح فراقومیّتی به شکل‌گیری حزب الله می‌انجامد، به شدّت وابسته به اعمال این سطح از ولایت خداوندی است و اساساً حزب الله با توالی اولیاء مطرح در آیه ولایت هویت می‌یابد.

۴. مصداق‌شناسی قوم حبّی

با توجه به این که در آیه پنجاه و چهار سوره مائده، واژه «قوم» در سیاق نکره آمده و توصیفات مفصل و پر جزئیاتی از آن صورت گرفته است، مراد خداوند قوم خاصی است. با توجه به ویژگی‌های شمرده شده برای قوم حزب الله در سوره مائده، می‌توان مصداق خارجی این قوم را تعیین کرد. در غیر این صورت ذکر کلی و معماگونه ماجرای این قوم بدون آنکه مصداق آن را بتوان مشخص کرد، چه پیامی خواهد داشت؟ با تأکید بر تدبیر زمانی به معنای کشف چیدمان زمانی فرازهای این آیات و با توجه به گزاره‌های معتبر تاریخی می‌توان پیشنهادی برای مصداق قوم حبّی به دست داد.

مراحل ذکر شده برای قوم حبّی یعنی اینکه یک قوم دین و باورهای خود را کنار بگذارد، دین جدیدی به طور گسترده از طرف آحاد قوم مورد پذیرش قرار گیرد، تعالیم دین جدید در باورها و فرهنگ قوم بنشیند و شخصیت قومی جدیدی برای آن ایجاد کند، سیر تطوّر به بلندای چندین قرن ترسیم می‌کند که در آن تربیت و بالندگی یک قوم توسط خداوند توضیح یافته است.

از سوی دیگر مفهوم «جایگزین کردن» یک قوم به جای قوم دیگر که در آیه پنجاه و چهار سوره مائده آمده است، حاکی از آن است که بین ارتداد قوم رسول الله ص و اراده خداوند مبنی بر رشد دادن قومی دیگر و شروع مراحل تطوّر آن قوم فاصله زمانی طولانی وجود ندارد. اگر خداوند قرن‌ها بعد از ارتداد قوم رسول الله ص اراده رشد قوم دیگری را داشته باشد، بهتر بود تا مفهوم جایگزینی مطرح نشود. بنابراین نمی‌توان مصداق قوم حبّی را قومی دانست که هنوز وارد نخستین مرحله از مسیر تکامل یعنی ایمان به ولایت اهل بیت ع نشده است. همه این موضوعات حکایت از مسیری برای «قوم حبّی» دارد که اندکی پس از صدر اسلام و در ازای ارتداد از مقوله ولایت شروع می‌شود و در یک بازه زمانی به درازای چند قرن به بار می‌نشیند.

بعد از رحلت رسول الله ص، دین اسلام به سرعت تا مرکز و غرب آسیا، شمال آفریقا و بخش‌هایی از اروپا گسترش یافت و اقوام متعددی به دین اسلام گرویدند. اما در این میان مذهب تشیع اثنی عشری گسترش به مراتب کم‌تری پیدا کرد. این مذهب به طور عمده محدود به منطقه غرب آسیا و هند است. در این منطقه کشوری که از نظر کل جمعیت و از نظر درصد، بیشترین تعداد شیعیان را به خود اختصاص داده است، ایران است. در بین اقوامی که در این جغرافیا زندگی می‌کنند، تنها در میان ایرانیان وزن جمعیتی شیعیان به گونه‌ای است که می‌توان آن را یک «قوم» شیعه نامید. بیش از نود درصد ایرانیان شیعه هستند که به تنهایی بیش از چهل درصد از جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهند. (احمدی و حسینی، ۱۳۹۵: ۸) همچنین تنها حکومت‌های شیعی اثنی عشری در وسعت یک قوم در ایران تشکیل شده‌اند.

آنطور که در بررسی سیر تطوّر حزب الله گذشت، به دنبال اراده‌ی خداوند بر جایگزینی قوم حبّی، خداوند مذهب تشیع را در آن قوم نهادینه می‌سازد و سپس اندیشه، فرهنگ و تمدن شیعی را در آن تقویت می‌کند و در گام بعدی حکومتی برخاسته از ارزش‌های شیعی را در آن به قدرت می‌رساند. انطباق این ویژگی‌ها بر آنچه عملاً در قرون گذشته در امت اسلامی واقع شده است، ایرانیان را به عنوان تنها مصداق قوم توصیف شده در آیات سوره مائده می‌شناساند.

این برداشت که صرفاً با تکیه بر ظاهر آیات قرآن و توجه به ارتباط بین آن‌ها انجام گرفت، می‌تواند به عنوان پشتوانه قرآنی گفتمان روایی که مصداق قوم حبّی را ایرانیان می‌داند، تلقی گردد. طبرسی در کتاب مجمع البیان خود در تفسیر آیه پنجاه و چهار مائده، چنین نقل کرده است، که رسول الله ص در پاسخ به سوال از این آیه دست بر شانه سلمان زدند و فرمودند: این شخص و منسوبان به او هستند؛ «فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ فَقَالَ هَذَا وَ ذُوهُ» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۱)

انطباق ایرانیان بر قوم حبّی توصیف شده در این آیه، منحصر به منابع روایی و تفسیری شیعی نیست. مفسران بزرگ اهل سنت مانند فخررازی و زمخشری نیز روایاتی از رسول الله ص نقل کرده‌اند که حاکی از انطباق قوم مطرح در آیه پنجاه و چهار سوره مائده بر قوم سلمان است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۷/۱۲) با توجه به فضایی که این روایات نبوی ترسیم می‌کنند، می‌توان مراد امام صادق ع را نیز که قوم حبّی را قومی غیر عرب می‌دانند و با واژه «موالی» از ایشان یاد می‌کنند، ایرانیان دانست. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۳۱۵)

علاوه بر آیه پنجاه و چهار سوره مائده، موضوع جایگزینی قومی به جای قوم عرب در آیات دیگر

قرآن نیز مطرح شده است. اهل بیت ع در این آیات نیز مصداق قومی که خداوند ایشان را جایگزین اعراب می‌کند، ایرانیان معرفی کرده‌اند. آیه صد و سی و سه سوره نساء یکی از این آیات است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «إِنَّ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا». طبرسی در تفسیر مجمع البیان چنین نقل کرده است که هنگامی که این آیه نازل شد، رسول الله ص به سلمان اشاره کردند و فرمودند آنها قوم این شخص هستند؛ «أنه لما نزلت هذه الآية ضرب النبي يده على ظهر سلمان و قال هم قوم هذا، یعنی عجم الفرس». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۸۷/۳)

آیه هشتاد و نه سوره انعام نیز دارای مضمون جانشینی قومی به جای قوم عرب است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «...فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ». عیاشی در تفسیر خود از سلیمان بن هاورن از یاران امام صادق ع نقل می‌کند که در آن امام ع قومی که خداوند در این آیه از ایشان صحبت کرده است را همان قوم توصیف شده در آیه پنجاه و چهار سوره مائده دانسته‌اند. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۶/۱)

علاوه بر این‌ها اهل بیت ع در روایاتی به تسلط ایرانیان بر اعراب در آینده اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه رسول الله ص درباره برانگیختن و تسلط الهی ایرانیان بر اعراب و تحقق امر به معروف و نهی از منکر توسط ایشان، اعراب را تحذیر دادند. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۸) امام صادق ع نیز از رسول الله ص نقل کرده‌اند که ایشان خطاب به اعراب فرمودند دنیا به پایان نمی‌رسد تا آن که ایرانیان با شما برای تأویل قرآن بجنگند و بر شما پیروز شوند. (حمیری، ۱۴۱۳: ۵۲)

۵. تصویری از آینده پیش روی انقلاب اسلامی

بعد از مصداق‌شناسی قوم حبّی می‌توان گمانه‌ای جهت انطباق جایگاه فعلی ایرانیان بر مراحل تطوّر قوم حبّی به دست داد. در این بخش نیز با توجه به مجموعه ویژگی‌هایی که خداوند برای قوم حبّی بر شمرده است، جایگاه فعلی ایرانیان در مراحل تطوّر قوم حبّی مشخص می‌گردد.

نخستین حکومت‌های شیعی در ایران مانند زیاریان و آل بویه هرگز بر تمام ایران حکم نراندند. تا پیش از دوران صفوی در ایران هیچ حکومت شیعی تمام ایرانیان را تحت حکمرانی خود قرار نداد. (موسوی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۴۲) بنابراین نمی‌توان این حکومت‌ها را مصداق حکومت قوم حزب الله در آیه پنجاه و چهار سوره مائده دانست. چرا که خداوند این حکومت را حکومت قوم حبّی معرفی کرده است نه بخشی از آن. از طرف دیگر بعد از سقوط حکومت‌های شیعی پیش از صفوی، در ایران حکومت‌هایی با مذهب سنی چون سلجوقیان قدرت را به دست گرفتند. (جعفریان،

۱۳۸۷: ۳۸۵-۳۹۵) بنابراین حکومت‌های پیشاصفوی هرگز مسیر ممتد ترسیم شده برای قوم تا رسیدن به حزب الله را طی نکردند. جریانات شکل گرفته در ایران در زمان نخستین سلسله‌های شیعی در ایران را می‌توان در بخش «نهاده‌ها» شدن تشیع در قوم حبّی» از دوران تطور قوم حبّی در آیه پنجاه و چهار سوره مائده گنجانند.

حکومت صفوی نیز به دلیل عدم انطباق بر ویژگی‌های توصیف شده در آیه پنجاه و چهار سوره مائده، نمی‌تواند مصداق حکومت توصیف شده برای قوم حبّی در این آیه باشد. چرا که حکومت صفوی بر آمده از یک جریان با ارزش‌های ناب تشیع نیست. از سوی دیگر در زمان به قدرت رسیدن حکومت صفویه هنوز بخش قابل توجهی از مردم ایران اهل سنت بودند. (اداک و اسدی، ۱۳۹۲: ۷)

از طرف دیگر در آیه پنجاه و چهار سوره مائده سیر اعتلای قوم تا تبدیل شدن به حزب الله که همواره غالب است امتداد می‌یابد. در حالی که حکومت صفوی توسط جریان‌های غیر شیعی مضمحل گردید و بعد از آن حکومت‌های غیر شیعه چون هوتکیان یا حکومت‌هایی با رفتار دوگانه مانند افشاریان در ایران به قدرت رسیدند. (ایزدی و پهلوان‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲) رشد تمدنی دوران صفوی را می‌توان در بخش «تقویت اندیشه، فرهنگ و تمدن شیعی در قوم حبّی» از دوران تطور قوم حبّی در آیه پنجاه و چهار سوره مائده گنجانند.

مراحل سه گانه «تحول ارزشی، تشکیل حکومت شیعی و ورود قوم حبّی به صحنه جهاد» با وقایعی که خداوند در دوران معاصر در ایران رقم زده است، مطابقت دارد. پیش از انقلاب اسلامی تحولات در فضای ارزش‌ها و اعتقادات جامعه ایران شروع شد. ارزش‌های مکتبی در ایران احیاء شد و به سرعت در میان مردم ایران گسترش یافت تا جایی که اندکی بعد از انقلاب اسلامی گسست کاملی از فضای فکری و فرهنگی حاکم در دوران پهلوی به وجود آمد. در ایران حکومتی بر پایه جریان جدید از ارزش‌های ناب شیعی شکل گرفت.

بر خلاف حکومت‌های قبلی قدرت گرفته در ایران که به دنبال آن که طائفه‌ای با گسترش دادن قلمرو خود و با نزاع با سایر طوائف ایرانی حکومت در کل کشور را به دست می‌گرفت، این بار ایرانیان به خاطر انگیزه‌های الهی و به دنبال احیاء ارزش‌های دینی و با هدف ایجاد حکومت دینی به پا خاستند و حکومت اصیل شیعی در ایران به قدرت رسید. درست مانند تحولات قوم حبّی در آیه پنجاه و چهار مائده، جنس و محوریت تحولات صورت گرفته در ایران معاصر ایمان به ولایت اهل بیت ع است و درست مانند این آیه بعد از تشکیل این حکومت، انقلاب اسلامی وارد جنگ شد. جنگی که

انقلاب اسلامی بر اساس انگیزه‌های سیاسی و دنیایی در آن وارد نشد، بلکه دفاعی مقدّس از ارزش‌های ناب مکتب اهل بیت ع بود.

غرب و شرق با رصد تحولات صورت گرفته در ایران و با شناخت اصالت و حَقانیت آن به سرعت احساس خطر کردند. دشمن به درستی فهمید که انقلاب اسلامی ایران دست به دست شدن قدرت در بین جریانات سیاسی داخلی نیست و جریان ارزشی شکل گرفته در آن در مرزهای ایران محدود نخواهد ماند. لذا آن را بر نتاید و طبیعتاً پیش از قدرت یافتن و استقرار انقلاب اسلامی بر آن تاخت.

بر اساس این گمانه‌زنی، عبارت «لَا يَخَافُونَ كَوْمَةَ لَائِمٍ» حاکی از دوران پس از دفاع مقدّس است که نشان از خروج پیروزمندانه انقلاب اسلامی از صحنه جنگ و افزایش اقتدار و قدرت آن پس از اتمام جنگ است. انقلاب اسلامی خود را وامدار و سرسپرده هیچ قدرتی نمی‌داند. بر ارزش‌های خود استوار ایستاده و در مسیر خود حرکت می‌کند بی آنکه خوفی از ملامت‌ها، سرزنش‌ها و تهدیدها را به خود راه دهد.

همچنین بر این اساس می‌توان تعبیر «لَا يَخَافُونَ كَوْمَةَ لَائِمٍ» را بر دوران رهبری رهبر معظم انقلاب منطبق دانست. این صفت به وضوح در سیره سیاسی ایشان دیده می‌شود. در شرایطی که سال‌ها است دشمن از تمام مسیرهای ممکن اقتصادی، فرهنگی و نظامی بر جمهوری اسلامی فشار آورده است که دست از ارزش‌ها و آرمان‌های خود بکشد و گروه‌هایی در داخل کشور نیز در این راستا مطالبه‌گری می‌کنند، انقلاب اسلامی به رهبری ایشان در برابر تمام فشارهای بین‌المللی ایستادگی کرده است و از تهدیدها و سرزنش‌ها هراسی به خود راه نداده است و خداوند نیز پیوسته بر اقتدار و عزّت آن افزوده است.

در این راستا می‌توان نحوه رفتار کشورهای منطقه در این دوران را مصداق روشنی از آیات ۵۱ تا ۵۳ سوره مائده در دنیای امروز دانست. بسیاری از کشورهای منطقه غرب آسیا مشابه مسلمانان صدر اسلام و دقیقاً مطابق با آیه ۵۱ به تولای یهود و نصارای امروز می‌پردازند. همین‌طور دلیل این رفتارها را چنان که در آیه ۵۳ مطرح شده ترس از به وجود آمدن مشکلات می‌دانند؛ «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ». [مائده ۵۳] در آیه ۵۴ خداوند در مقابل این چنین افراد مرتدی، قومی را مطرح می‌کند که مستحکم در قبال دشمنان قد علم کرده است و مشکلات و اذیت‌ها را به جان خریده و در راه خدا استقامت دارند.

فراز پایانی آیه پنجاه و چهار سوره مائده مربوط به مسیر پیش روی انقلاب اسلامی است؛ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». مطابق آنچه گذشت، این فراز حاکی از بهره‌مند شدن قوم حَبّی از نعمات خاصّی است که تبعات عجیب به همراه دارد و مؤمنان با بهره بردن از آن رفتارهای

عجیبی نشان خواهند داد. بنابراین بعد از این هم خداوند انقلاب اسلامی را در مسیر افزایش عزت و اقتدار پیش خواهد برد.

اما نقطه عطفی در این مسیر اعتلایی وجود دارد. از برهه‌ای در زمان، خداوند نه بر اساس اسباب و ابزار متداول در دنیا مانند اقتصاد بزرگ یا توان نظامی-دفاعی، بلکه به واسطه نعمات ویژه خود انقلاب اسلامی را ارتقا خواهد داد؛ مطابق با استدلال مطرح شده در بخش ۲-۷ این نوشتار و با استناد به بهره‌مندی حزب الله [مجادله ۲۲] و عیسی ع [مائده ۱۱۰] از «روح»، نعمات و توان‌هایی از جنس آنچه در دستان عیسی ع قرار داشت. در آن مقطع زمانی، ارزش‌های شیعی انقلاب اسلامی دیگر محدود به ایرانیان نخواهد ماند.

تحت تأثیر اسم «واسع» خداوند، فرایند راهبری قوم حبیبی به موقعیتی فرا قومیتی و بلکه جهانی تحت عنوان «حزب الله» می‌رسد. حزب الله جامعه‌ای جهانی و ساختار یافته از شیعیان است که خداوند سیر ایجاد آن را از رشد دادن قوم حبیبی شروع می‌کند و با محوریت این قوم آن را تشکیل می‌دهد. خداوند نعمات قیمتی و توان‌های مؤثر در دستان مؤمنان انقلابی ایران را که در این آیات از آن به «فضل الله» تعبیر شده است، در میان حزب الله گسترش می‌دهد و ایشان از تبعات این عطاها بهره می‌برند.

با شکست دشمن در عرصه‌های گوناگون، حقانیت ارزش‌ها و آرمان مکتب اهل بیت ع برای حق‌جویان و پاک‌طینتان عالم آشکار خواهد شد و جامعه شیعیان گسترش خیره‌کننده‌ای خواهد یافت. این جامعه بزرگ، قدرت‌مند و ساختاریافته از شیعیان یا همان «حزب الله» با تکیه بر این مؤلفه‌های الهی قدرت در هر صحنه‌ای که وارد شود، پیروز خواهد بود و بر تمام قدرت‌های جهانی فاتق خواهد آمد؛ «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». [مائده ۵۶]

مستقل از اینکه قوم حبیبی کدام قوم است، بررسی این آیات روشن می‌سازد که آینده‌ای که خداوند در پیش روی شیعیان قرار داده است، بسیار عظیم و ناشناخته است. با توجه به این آیات از صدر اسلام آشکار بود که اسلام حقیقی در جایی غیر از جزیره العرب رشد خواهد کرد. تمدنی شکل خواهد داد و حکومت مقتدری بر پا خواهد ساخت که در آن شیعیان با بهره‌مندی از عطایای خاص خداوند، اقتدار خواهند یافت.

حزب الله بر پایه فضای ارزش‌های ناب تشیع و ابزارهایی که خداوند ایشان را از آن بهره‌مند کرده است، مهم‌ترین هدف و دغدغه جامعه شیعه را که زمینه‌سازی برپایی ظهور امام عج است، دنبال خواهد کرد. حال در برهه‌ای از زمان جامعه بزرگی از شیعیان که صاحب حکومت نیز هستند، خود را

در قالب حزب الله توانمند در حرکت مقتدرانه به سوی این هدف بزرگ می‌بینند. شیعه از موضع اقلیت و ضعف تاریخی خود برای همیشه خارج شده و جریان قدرت‌مند جهانی خواهد شد که تمام موانع را کنار خواهد زد. دشمن را در هر صحنه‌ای منکوب خواهد کرد و مسیر را برای برپایی ظهور امام زمان عج آماده خواهد کرد. اگر خداوند جامعه بزرگی از شیعیان را با روح تأیید کند، دیگر ماجراها توسط آن شیعیان به سمت برپایی ظهور برده می‌شود.

تصویری که خداوند از جامعه آخرالزمانی شیعیان ارائه می‌دهد، به کلی با تصویری که از وضعیت جوامع انسانی در آخرالزمانی در دست است، تفاوت دارد. در تصور رایج، در آخرالزمان با جوامع از هم پاشیده و پر هرج و مرج مواجه خواهیم بود. انسان‌هایی که به صورت انفرادی یا در قالب گروه‌های کوچک به زیست خود در شرایط بسیار سخت ادامه می‌دهند و با خطرهایی که حیات ایشان را جدلاً تهدید می‌کند، دست و پنجه نرم می‌کنند. بسیاری از انسان‌ها در کام حوادث و فتنه‌ها فرو می‌روند و در مجموع بخش قابل توجهی از بشریت ضایع می‌شود.

اما مطابق با آیات سوره مائده، خداوند در آستانه آخرالزمان شیعیان را در قالب «حزب الله» سازمان‌دهی می‌کند. در آخرالزمان شیعیان متفرق نیستند. واژه «حزب» حاکی از وجود یک جامعه واحد و منسجم است. جامعه‌ای که سازمان‌دهی شده است. حزب الله یک ساختار است. یک جامعه منظم و منسجم است. همه افراد از جنبه قلبی متحد هستند و هدف و آرمان واحدی را با تعامل با یکدیگر پی می‌گیرند. جامعه‌ای که با بهره‌مندی از عطا‌های خاص خداوندی، با اقتدار به حرکت خود ادامه می‌دهد. پیوسته و در هر صحنه‌ای پیروز است؛ «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» و از تمام حوادث و فتنه‌های آخرالزمان می‌رهد؛ «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». این منظر قرآنی تصویر آخرالزمانی جوامع بشری را به کلی دگرگون می‌کند. مطابق با این منظر قرآنی، شدائد و فتنه‌های آخرالزمان برای ضایع شدن بشر نیست. بلکه برای تشکیل جامعه حزب الله است.

به کار بردن وصف «غالبون» از بین صفات متعدد نیز حاکی از پررنگ بودن تنازعات در دوران شکل‌گیری حزب الله است، که با آخرالزمانی دانستن این دوران مطابقت دارد. این یکی از دلایلی است که نشان می‌دهد، حزب الله هنوز شکل نگرفته است و مصادیق تشکیل حکومت در جامعه شیعیان در ادوار گذشته نمی‌توانند مصداقی برای حکومت قوم حبیبی باشند. بر این اساس اتصال انقلاب اسلامی ایران به ظهور امام زمان عج که بارها در کلام امام خمینی ره بیان شده است، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۷/۲۱؛ همان: ۳۳۰/۱۴) تبیین قرآنی پیدا می‌کند. جدول شماره یک انطباق مراحل

تطور قوم حبی بر ایرانیان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱)؛ سیر تطور حزب الله و تطبیق آن بر ایرانیان

آیه ۵۴ سوره مائده	مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ	فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ	أَذَلُّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ	أَعَزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ	يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَائِمَةً	ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ	وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
سیر تطور حزب الله	ارتداد قوم رسول الله ص در مقوله ولایت	نهادینه شدن تشیع در قوم حبی	تقویت اندیشه، فرهنگ و تمدن شیعی در قوم حبی	تحول ارزشی و تشکیل حکومت شیعی در قوم حبی	ورود قوم حبی به صحنه جهاد	هجمه گسترده به قوم حبی و افزایش اقتدار آن	بهره‌مند شدن قوم حبی از عطا‌های خاص	گسترش بهره از عطا‌های خاص و تشکیل حزب الله
سیر تطور قوم ایرانیان	بعد از رحلت رسول الله ص	گسترش تشیع و اعتلای تمدن شیعی در ایران	وقوع انقلاب اسلامی در ایران	ایستادگی در برابر فشارهای بین‌المللی	بهره‌مندی مؤمنان انقلابی از عطا‌های خاص و تشکیل جامعه جهانی، قدرتمند و ساختاریافته شیعی			
محور زمان	←							

۶. نتیجه‌گیری

خداوند در آیه پنجاه و چهار سوره مائده سیر تطور قومی را بیان می‌کند؛ او این قوم را جایگزین قوم مرتد در صدر اسلام می‌کند، اندیشه، فرهنگ و تمدن شیعی را در آن تقویت می‌کند و به دنبال یک تحول ارزشی حکومتی در آن قوم تشکیل می‌دهد. ورود قوم به صحنه جهاد، هجمه گسترده به آن و افزایش اقتدار قوم مراحل دیگری از این سیر تطور است. خداوند در مقطعی از این سیر تکامل این قوم را از عطا‌های خاص با تأثیرات گسترده بهره‌مند می‌کند و بعد از آن با گسترش فراقومی این

عطاها «حزب الله» را تشکیل می‌دهد. اولیاء معرفتی شده در آیه ولایت، در جایگاه راهبری این قوم و تشکیل حزب الله قرار دارند. حزب الله بر مدار توکلاً نسبت به این اولیاء شکل می‌گیرد و می‌بالد. مشخصات توصیف شده برای این قوم، آنچنان که در روایات نیز مذکور است، ایرانیان را به عنوان مصداق آن آشکار می‌سازد. بر اساس تطبیق این سیر بر تاریخ تحولات ایران، در جایگاه یک گمانه تبیینی قرآنی از ماهیت و آینده پیش روی انقلاب اسلامی به دست می‌آید. بر این اساس وقوع انقلاب اسلامی در ایران، دفاع مقدس و ایستادگی در برابر فشارهای بین‌المللی در حقیقت مراحل از تطور حزب الله با محوریت قوم حبیبی است. لذا باید بهره‌مند شدن مؤمنان انقلابی از عطاهاى خاص و تشکیل جامعه جهانی، قدرتمند و ساختاریافته شیعی تحت عنوان حزب الله را در آینده پیش رو انتظار داشت.

کتابنامه

۱. قرآن
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*، قم، مؤسسه صاحب‌الأمر
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. احمدی، سیدعباس و حسینی نصرآبادی، نرجس سادات (۱۳۹۵ش)، *وضعیت ژئوپلیتیک شیعه در عصر جهانی شدن*، فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲-۲۳
۵. احمدیان، مهدی، ذوالفقارزاده، محمدمهدی و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۶ش)، *تحلیلی انتقادی و راهبردی بر پیش‌فرض‌های مدون دانش آینده‌پژوهی*، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۴، صص ۳۶-۵
۶. احمدیان، مهدی، ذوالفقارزاده، محمدمهدی و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۶ش)، *تبیین ماهیت انقلاب اسلامی ایران از منظر سوره مجادله: کاوشی در تقابل دو جریان حزب الله و حزب الشیطان*، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۳۱-۷
۷. اداک، صابر و اسدی، سهیلا (۱۳۹۲ش)، *تاسیس مدارس و گسترش تشیع در عصر صفوی*، فصل‌نامه مسکوبه، شماره ۲۶، صص ۳۲-۷

۸. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۹. افتخاری، اصغر، نوروزی، محمد و ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۸۹ش)، نظریه امانت امام خمینی ره و چشم انداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت، مشرق موعود، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۵-۹۷
۱۰. ایزدی، حسین، پهلوان پور، فاطمه (۱۳۹۰ش)، وضعیت سیاسی تشیع از اضمحلال صفویه تا کریم خان زند، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۳۶-۷
۱۱. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۷ش)، تاریخ تشیع در ایران، تهران، نشر علم
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش)، ولایت علوی، قم، اسراء.
۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
۱۵. حیدری بهنوئی، عباس (۱۳۸۱ش)، رویکردی فقهی به نظریه انقلاب امام خمینی، علوم سیاسی، شماره ۱۸، صص ۲۹-۴۲
۱۶. خزایی، سعید و مطهری نژاد، مجید (۱۳۹۴ش)، بازتعریف هستی شناختی و معرفت شناختی مناسب انقلاب اسلامی، در گذار از مدرنیته اسلامی به سوی تمدن زمینه ساز و بایسته های سیاستی برآمده از آن، مشرق موعود، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۰۱-۱۳۰
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربی.
۱۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، کتابچی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.

۲۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، قم، دار الثقافة
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش)، **کتاب التفسیر**، تهران، چاپخانه علمیه
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۲۵. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، **رجال الکشی**، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. مطهری نژاد، سیدمجید، همایون، محمدهادی، خزایی، سعید و حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۵ش)، **بازاندیشی سیاستی در نظریات و الگوهای آینده‌نگر مناسب چشم‌انداز تمدنی انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی**، شماره ۳۵، صص ۱۵۴-۱۳۳
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **الإختصاص**، قم، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۳۰. موسوی گیلانی، سیدجعفر و موسوی گیلانی، سید مجتبی (۱۳۹۵ش)، **نقش حکومت‌های شیعه در رواج تشیع و گسترش تمدن اسلامی ایران**، فصل‌نامه تاریخ، شماره ۴۰، صص ۱۳۸-۱۵۷
۳۱. مومنی، عابدین و ضیاءفر، حامد (۱۳۷۹ش)، **واکاوی مفهومی و مصداقی آیه تبلیغ بر اساس دلالت سیاق**، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۳، صص ۲۹۷-۳۱۸